

آشنایی با

«از میان علوم و معارف وابسته به فرهنگ اسلامی آنچه از لحاظ سیر تاریخی از همه ناشناخته‌تر است فلسفه می‌باشد.»

استاد شهید مرتضی مطهری
مجموعه آثار ج ۵ ص ۲۳ مقاله سیر فلسفه در اسلام

حوزه فلسفی / عرفانی تهران

قسمت اول

عباس طارمی

حوزه تهران

یکی از حوزه‌هایی که وارث حکمت و عرفان در سرزمینهای اسلامی بوده است حوزه باشکوه تهران است که متکی بر یکصد و هشتاد و دو سال تلاش است.^۱

منظور از حوزه، محیطی با تکاپوی علمی است که استادان و شاگردان و تألیفات و رد و ایرادها و دقت و تفحص و تحقیق از ویژگیهای آن است و تأمل در چگونگی بحث و تدریس در برانگیختن شاگردان بتفکر و تعقل در مبدأ و معاد و انسان و جهان، روشن کننده وضعیت فکری و فلسفی آن حوزه می‌باشد.

حوزه تهران از غنیترین حوزه‌های فلسفی جهان در وجودشناسی است که برخی از ویژگیهای آن عبارتند از:

- ۱- برخورد با اندیشه‌های فلسفی جدید غربی؛
- ۲- دفاع در برابر حملات بفلسفه و الهیات؛
- ۳- سعی در ارائه فلسفه صدرایی به شیوه‌ای نو و پایه‌گذاری برخی براهین و مباحث جدید؛
- ۴- تأسیس مباحث تطبیقی فلسفی؛
- ۵- تصحیح و کتاب‌شناسی کتب قدیم و درسی فلسفی؛ و عرفانی؛
- ۶- برخورد و همکاری با مستشرقین؛
- ۷- نقد و بررسی فلسفه غرب.

هر یک از موضوعات فوق‌الذکر به بحث و فحوصی جداگانه و مبسوط نیازمند است که از حوصله این رساله خارج است.

مقدمه:

فلسفه، پس از انتقال از یونان بجهان اسلام، علیرغم انگیزه‌های احتمالی پشت سر آن با استقبال اندیشمندان و متفکران مسلمان روبرو شد و با عنایت بتشویق قرآن کریم بتعقل و تفکر، اندیشه فلسفی در دامان وحی بالید و از نظر کمی و کیفی رشد کرد.

نجات فلسفه از ماده‌انگاری، چند خدا انگاری و رهایی از درجا زدن در جبرگرایی و گرفتار شدن در چنبره انسان‌محوری سوفسطایی و ره سپردن به الهیات و وجودشناسی از مشخصات فلسفه‌ای است که در سرزمین اسلام بویژه در ایران پرورش یافت و می‌توان آن را فلسفه اسلامی/ایرانی یا باختصار فلسفه اسلامی نامید.

حوزه عرفانی هیچگاه از حوزه فلسفی جدا نبود. با بهره‌گیری از باز بودن راه تأویل و وجود رمز و راز در کلام خدا و اولیای الهی(ع) و تعالیم عرفانی ایشان، این حوزه همواره در جهان اسلام در حال رشد و بالندگی بوده است.

این زمینه‌ها و آمادگیها به‌مراه وجود آثار محی‌الدین ابن‌عربی، صدرالدین تونوی و داوود قیسری و شارحان آن و با الهام از قرآن مجید و روایات ائمه معصومین(ع) سبب تشکیل حوزه عرفانی خاصی در قالبی نظری، برهانی، ذوقی و اشراقی می‌شود.

۱- از سال تأسیس حوزه فلسفی/عرفانی تهران در سال ۱۳۳۷ ه.ق. تا کنون (۱۴۱۹ ه.ق.).

● حوزه عرفانی هیچگاه از حوزه فلسفی جدا نبود. با بهره‌گیری از باز بودن راه تأویل و وجود رمز و راز در کلام خدا و اولیای الهی (ع) و تعالیم عرفانی ایشان، این حوزه همواره در جهان اسلام در حال رشد و بالندگی بوده است.

اتمام رسانید، از خاقان خلدآشیان استدعا کرد که مرحوم ملاعلی نوری را از اصفهان به تهران احضار نماید تا در آن مدرسه تدریس فرمایند.

پس از ابلاغ احضار، مرحوم ملاعلی نوری در جواب نوشت که در اصفهان قریب به دو هزار طلاب مشغول تحصیلند که چهار صد نفر - بلکه متجاوز - که شایسته حضور مجلس درس این دعاگو هستند بمجلس درس دعاگو حاضر می‌شوند. چنانچه در تهران بیاید موجب پریشانی این همه طلاب علم خواهد شد. پس از رسیدن جواب، مرحوم خان مروی استدعا نمود که مجدداً امر صادر و فرمایش شود که یکی از تلامیذ خود را که لایق دانند روانه دارالخلافة کنند.

آن جناب مرحوم والد علامه ملاعبدالله مدرس زنوزی را معین فرمود و به تهران روانه کرد و والد در مدرسه مذکوره بتدریس مشغول شد و مورد الطاف و عنایات

۱- آقا محمد بیدآبادی فرزند ملامحمد رفیع گیلانی در اصفهان متولد شد و در خدمت میرزا محمد تقی الماسی و ملا اسماعیل خواجه‌جویی و جمعی دیگر تلمذ نمود و خود درس حکمت و تفسیر تقریر می‌فرمودند و عده‌ای کثیر در خدمت او تحصیل می‌نموده‌اند که وفاتش در محرم الحرام ۱۱۹۸ هـ ق رویداده است (تذکره القبور - ص ۴۸۳).

۲- آخوند ملاعلی نوری فیلسوف، فقیه و حکیم، ادیب و شاعر از متدینین حکمای اسلام و متشرعین فلاسفه است در مازندران و قزوین مقدمات علوم را آموخت به اصفهان رفت و در خدمت میرزا ابوالقاسم مدرس و آقا محمد بیدآبادی و دیگران تلمذ نمود. با علمای بزرگی همچون میرزای قمی و سید حجة الاسلام و حاجی کلیاسی دوستی داشته و مورد کمال علاقه و احترام آنان بوده است در رجب ۱۲۴۶ هـ ق. وفات یافته و جنازه وی به نجف منتقل گردیده است در آستانه درگاه طوسی از حرم مطهر مدفون گردیده است. (تذکره القبور - ص ۲۶۴).

۳- مدرسه مروی یا مدرسه فخریه بوسیله محمد حسین خان مروی در تاریخ ۱۲۳۲ هـ ق. تأسیس شد.

۴- شاه قاجار: فتحعلی شاه (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ دوره پادشاهی).

در اینجا لازم است از راهنماییهای بیدریغ استاد ارجمند جناب آقای منوچهر صدوقی‌سها صاحب تألیف ارزشمند تاریخ حکما و عرفای متأخر بر ملاصدرا که طبع جدید آن با اضافاتی تقریباً دو برابر بوسیله انتشارات حکمت به چاپ خواهد رسید، تشکر کنم.

فصل اول

تأسیس حوزه فلسفی / عرفانی تهران

نخستین دوره حوزه فلسفی تهران؛ ۱۲۵۷ - ۱۲۳۷؛ مؤسس: ملاعبدالله مدرس زنوزی.

نخستین دوره حوزه عرفانی تهران؛ ۱۲۷۰ - ۱۲۶۷؛ مؤسس: آقا سیدرضی لاریجانی.

پس از نشر و بسط و احیای فلسفه صدرایی بوسیله آقا محمد بیدآبادی^۱ و آخوند ملاعلی نوری^۲ و استحکام مکتب فلسفی اصفهان، حوزه فلسفی تهران با تأسیس مدرسه مروی^۳ بوسیله خان مروی و دعوت شاه قاجار^۴ از آخوند ملاعلی نوری به خواهش محمد حسین خان مروی جهت تدریس فلسفه در آن مدرسه شکل گرفت که وی عذر آورد و یکی از شاگردان خویش را در سال یکهزار و دوست و سی و هفت هجری قمری (۱۲۳۷ هـ ق) جهت تدریس در مدرسه مروی تهران معرفی و روانه گرداند. این شاگرد عالی‌مقدار ملاعبدالله مدرس زنوزی است که اولین مدرس فلسفه صدرایی و شارح حکمت متعالیه در حوزه فلسفی تهران است. وی بمدت بیست سال در این حوزه مشغول تدریس بوده و چراغ حکمت را در تهران روشن می‌نموده است.

شرح دعوت از آخوند ملاعلی نوری را بقلم آقا علی مدرس پسر آقا ملاعبدالله مدرس زنوزی می‌آوریم:

«پس از آنکه مرحوم حاجی محمد حسین خان مروی در دارالخلافة تهران مدرسه مروی را عمارت کرد و به

خاصه ملوکانه گردید و کمال توقیر و تکریم از آن مرحوم بعمل می‌آمد و بصورت و معنی ترقیات جلیه نمود و مدت بیست سال در آن مدرسه تدریس فرمود و در سنه یکهزار و دو بیست و پنجاه و هفت برحمت ایزدی پیوست. «روح عبدالله همی روحانیان را پیشوا تاریخ وفات او است.»^۱

۱ - مؤسس حوزه فلسفی تهران:

ملا عبدالله مدرس زنوزی

برای آگاهی از نحوه تحصیلات آقا عبدالله مدرس شرح حال مختصری را که آقا علی مدرس^۲ جهت پدر گرامی اش بیان نموده در اینجا می‌آوریم:

«مرحوم مغفور ملا عبدالله مدرس، فرزند بیرمقلی، ملقب به باباخان (مسقط رأسش قریه زنوز از مضافات و توابع مرند از قزاق تبریز) در بدایت سن، از زنوز به خوی رفت و به تحصیل علوم عربیه و ادبیه مشغول شد و به اقصی الغایه تحصیل نمود چنانکه به ملا عبدالله نحوی معروف شد. از خوی به کربلا رفت و در خدمت آقا سید علی طباطبایی^۳ صاحب کتاب ریاض، مشهور بشرح کبیر بتحصیل علم اصول فقه مشغول شد. پس از چندی به دارالایمان قم رفت و در خدمت مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی^۴ صاحب کتاب قوانین الاصول به خواندن آن کتاب مواظبت نمود. پس از فراغ به اصفهان رفت و خدمت مرحوم ملاعلی نوری به تحصیل علوم حکمیه و در خدمت مرحوم آقا سید محمد ولد آقا سید علی طباطبایی مذکور به تحصیل علم اصول فقه و خدمت مرحوم حاج سید محمد باقر رشتی^۵ بتحصیل علم فقه مشغول شد و در علوم ریاضیه بقدر امکان تحصیل نمود.»^۶

آخوند ملا عبدالله زنوزی در حکمت و فلسفه از شاگردان خاص ملاعلی نوری است و برای استاد احترام خاصی قائل است و بر افکار او احاطه کامل دارد بر موز و مشکلات و دقائق کتب اسفار و آثار دیگر ملاصدرا وارد است.^۷ از شاگردان اویند:^۸

۱ - فرزند گرامی اش آقا علی مدرس زنوزی؛

۲ - میرزا ابوالقاسم نوری معروف به کلانتر؛

۳ - آخوند ملاحسن خوبی.

برخی آثار او عبارتند از:^۹

۱ - تعلیقات مختصری بر اسفار؛

۲ - تعلیقه بر شواهد الربوبیه؛

۳ - تعلیقه بر مبداء و معاد؛

۴ - تعلیقه بر اسرار الآیات؛

۵ - تعلیقه بر شفاء؛

۶ - تالیف انوار جلیه در شرح حدیث حقیقت مولی

امیرالمؤمنین علی (ع)، که در سال ۱۲۴۷ ه. ق. پایان یافته است؛

۷ - تالیف لمعات جلیه در اثبات واجب الوجود و اثبات صفات او تبارک و تعالی؛

۸ - رساله علیه در چگونگی غضب خداوند بر گنهکاران.^{۱۰}

۲ - مؤسس حوزه عرفانی تهران:

آقا سید رضی لاریجانی

هجرت به تهران:

شروع حوزه عرفانی تهران با آمدن آقا سید رضی لاریجانی است که در اواخر عمر به دعوت آقا میرزا اسمعیل گرگانی - از رجال قاجار - به تهران می‌آیند. صاحب‌الاثردر باره تهران آمدن آقا سید رضی آورده‌اند که: «در حکمت متعالیه و فنون معقول از صنایع فحول

۱ - ملا عبدالله مدرس زنوزی؛ مقدمه انوار جلیه، تصحیح و مقدمه از استاد سید جلال‌الدین آشتیانی، ص ۳۹، چاپ امیرکبیر؛ نیز: طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۲۳۵ و ۲۳۶.

۲ - آقا علی مدرس زنوزی پسر ملا عبدالله مدرس زنوزی، از حکمای اربعه است که در فصل دوم شرح حالش خواهد آمد.

۳ - صاحب ریاض المسائل سید المحققین و سند المدققین علامه تحریر آقا سید علی بن محمد علی بن ابی‌المعالی فرزند خواهر محقق بیهبانی و داماد اوست و کتاب ریاض شرح نافع است و معروف است بشرح کبیر مقابل شرح صغیر او وفاتش سنه ۱۲۳۱ قمری نزدیک قبر خالش در رواق حرم حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام است. (هدیه الاحباب حاج شیخ عباس قمی، ص ۱۹۴، چاپ امیرکبیر).

۴ - ابوالقاسم بن المولی محمد حسن الجیلانی المعروف بالمیرزا قمی عطرالله مرقده لتوطنه فی دار الایمان حرم الائمہ علیهم السلام قم المحروسه عن فتن الدوران العالم الکامل الفاضل المحقق المدقق رئیس العلماء الاعلام و مولی فضلاء الاسلام شیخ الفقهاء المتبحرین و ملاذ العلماء و المجتهدین حجة الاسلام و المسلمین الذی شانه اجل من ان یوصف بالیان و التقرير و ادق من ان یعرف بالینان و التحریر کان رحمه الله ورعاً جلیلاً و بارعاً نبیلاً کثیر الخشوع تحریر المدوع دائم الاین باکی العینین. مصنفات شریفه آنجناب بسیار است و جمله آنها مرجع و ملاذ علماء است، مانند قوانین و غنائم و مناهج، و کتاب سؤال و جواب که از طهارت تا دیات است. قریب هشتاد سال عمر کردند و در سنه ۱۲۳۱ ه. ق. وفات نمودند که قبر شریفش در قم در وسط قبرستان شهر در میان شیخان بزرگ با قبه عالیه مزار و محل نذور شمع و چراغ قرار دارد. (حاج شیخ عباس قمی، هدیه الاحباب، ص ۴۳).

۵ - سید محمد باقر رشتی از اعظام مجتهدین و اکابر فقهاء اصولیین عالم زاهد و فقیه جامع. (در ۱۱۷۵ در جزره از نواحی طارم علیا متولد و در شب ۳ ربیع‌الثانی ۱۲۶۰ وفات یافته است) (تذکره القبور، ص ۱۹۳).

۶ - ملا عبدالله مدرس زنوزی، مقدمه انوار جلیه، تصحیح و مقدمه از استاد سید جلال‌الدین آشتیانی، ص ۳۸ و ۳۹.

۷ - همان، ص ۲۷.

۸ - همان، ص ۲۷.

۹ - همان، ص ۲۸.

۱۰ - نایب‌الصدر شیرازی، طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۲۳۶.

بود و از شاگردان درجه اول فیلسوف اعظم ملاعلی نوری بشمار می‌آمد و در اصفهان تدریس می‌کرد. از آنجا به تهران آمد و در خانه میرزا اسمعیل مستوفی گرگانی منزل گرفت تا عیال و اولادش نیز رسیدند. پس در خانه جداگانه همی بود تا در سال ۱۲۷۰ ه. ق. رحلتش اتفاق افتاد.»

عارف حکیم صاحب حال و مالک باطن و دارای علوم غریبه بوده است^۱ در اوان بلوغ به شرف ملاقات فقیری معروف به درویش کافی - علیه الرحمه الله الملک الوافی - مشرف و مورد توجه وی گردید. پس از چندی، بجهت عدم تجانس با اهالی آن سامان (لاریجان) و پریشانی خاطری که از شهادت پدر داشته، وطن مألوف را ترک و با مادر و برادر خود، سید زکی الدین بعزم تحصیل علوم بصوب اصفهان رهسپار شد و پس از تکمیل مقدمات علمیه و تحصیل یک دوره فقه در مدرس آخوند ملاعلی نوری - نورالله تربته - و مرحوم ملا اسماعیل

● ملا عبدالله مدرس زنوزی اولین مدرس فلسفه صدرایی و شارح حکمت متعالیه در حوزه فلسفی تهران است. وی بمدت بیست سال در این حوزه مشغول تدریس بوده و چراغ حکمت را در تهران روشن می‌نموده است.

استاد بتحصول حکمت جدید مرحوم صدرالدین شیرازی مشغول و در نزد اساتید دیگر نیز حکمت مشاء را فراگرفت و باندک زمانی در حکمت مشاء و اشراق و تصوف و عرفان به مقامی رسید که تعداد کمی از معاصرین را بدان دسترس بود و مدرّسش مجمع علماء گردید و استادان عصر به استادیش اقرار و از محضرش استفاده می‌کردند و کتب شیخ محی الدین و صدرالدین قونوی - قُدّس سرُّهُما - را تدریس می‌کرد و شاگردان مبرز تربیت کرد که از آن جمله آقا میرزا محمدرضا قمشهای و حاج میرزا نصیرگیلانی - رضوان الله علیهما - بودند.^۲

آقا سیدرضی از شاگردان آخوند ملاعلی نوری و از استادان بزرگ مکتب اصفهان و مدرس حکمت متعالیه و عرفان نظری بوده است. وی قبل از سال ۱۲۶۷ به تهران آمده و میرزا محمد تنکابنی مؤلف قصص العلماء از

شاگردان وی بوده است^۳ و چند سال بعد در سال ۱۲۷۰ ه. ق. رحلتش اتفاق افتاده است.^۴

آقا سیدرضی لاریجانی، در اصفهان مورد آزار و اذیت و تکفیر و تبعید قرار می‌گیرد. استاد سید جلال الدین آشتیانی در اینباره آورده‌اند که: «سیدرضی همان شخصی است که حاج محمدابراهیم کلباسی او را تکفیر نمود. این نوع تکفیرها با موازین شرع موافق نبوده، اگر اعمال مُکفران را حمل بر صحت کنیم باید بگوییم حکم آنها به تکفیر ناشی از عدم ورود بمبانی عقلی و عرفانی بوده است؛ لهذا کسانی که در علوم منقول و معقول ماهر بوده‌اند کمتر اشخاص را تکفیر کرده‌اند نوعاً کسانی که تکفیر می‌شدند اهل صلاح و سداد و ورع و تقوی و فضیلت بوده‌اند. همین سیدرضی از متقین بنام عصر خود بود. اغلب ایام سال را روزه می‌گرفت و در شب‌زنده‌داری و عبادات و ریاضات شرعی و مواظبت بر طاعات و زهد و ورع و عمل و تعبد به ظواهر شرع، داستانهای عجیب و غریب از او نقل کرده‌اند.

...سیدرضی از اصفهان به نجف آباد تبعید شد. این سید محقق مجبور شد از برای نجات جان خود تظاهر بجنون کند. گویند طیبی معروفی که در باطن از مریدان سید بود، شهادت داد که من مدت‌ها سید را معالجه جنون می‌نمودم. با این تدابیر این عارف ربانی نجات پیدا می‌کند و جان سلامت می‌برد و به سرنوشت شیخ اشراق و عین القضاة همدانی مبتلا نمی‌گردد.

معروف است مرحوم حجة الاسلام شفاعت از آقا سیدرضی نمود تا از نجف آباد به اصفهان مراجعت کرد و بکار تدریس خود ادامه داد.^۵

در تسلط و برتری آقا سیدرضی برآخوند ملاعلی نوری در موضوع عرفان، استاد آشتیانی آورده‌اند که: «اساتید بزرگ تهران در دوره قاجار همه پرورش یافته حوزه نوری (آخوند ملاعلی نوری) بوده‌اند. در بین شاگردان آخوند، آقا سید رضی (لاریجانی) در عرفان بزرگترین استاد عصر خود بود. سیدرضی لاریجانی اگرچه

۱ - آقا محمد رضا قمشهای، مقدمه بر ذیل فص شیخی فصوص الحکم، تصحیح و مقدمه از استاد منوچهر صدوقی سها، قزوین، چاپ نور، ۱۳۵۴، ص ۲.

۲ - همان، ص ۲ و ۳.

۳ - سید مصلح الدین مهدوی، تذکرة القبور، ص ۳۳۸، کتابفروشی نقفی اصفهان، ۱۳۴۸.

۴ - عبرت نائینی، تذکرة مدینه‌الادب، ج ۱، ص ۷۳۲، چاپ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶.

۵ - مقدمه شواهد الربوبیه، استاد سید جلال الدین آشتیانی، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

در حکمت متعالیه شاگرد آخوند نوری است و شاید در مسائل نظری و فلسفه بحثی بمرتبه آخوند نوری نرسد؛ ولی در عرفانیات و حکمت ذوقی و احاطه به کلمات اهل عرفان برآخوند نوری ترجیح دارد؛ بلکه فاصله این دو در این قسمت زیاد است و همانطوری که آخوند نوری در حکمت متعالیه کم نظیر است آقا سیدرضی در تصوف و عرفان در بین متأخران بینظیر و در تسلط بافکار محی‌الدین در مرتبه و مقام بعد از شارحان کلمات محی‌الدین و عارفان قرن هفتم و هشتم قرار دارد.^{۲۱}

فضائل معنوی

میرزا طاهر تنکابنی به نقل از استاد خود، آقا محمدرضا قمشهای، درباره آقا سیدرضی لاریجانی آورد که:

«آقا سیدرضی‌الدین لاریجانی از بزرگان حکما و عرفای عصر متأخر بوده و آن مرحوم از تلامیذ حکیم ملاعلی نوری بوده و از استاد خود، آقا محمد رضا قمشهای اصفهانی - قدس سره - که از شاگردان سید مرحوم بوده، شنیده‌ام که: این سید بزرگوار در زهد و وارستگی و حید عصر خود بوده و در اوایل عمر که از مازندران به اصفهان برای تحصیل علوم رفته بود، بواسطه کثرت فقر و پریشانی، در حمامهای اصفهان بکسب دلاکی در ایام تعطیل می‌پرداخت و تحصیل معاش ایام تحصیل می‌نمود. و بعد از تکمیل مراتب تحصیلات، بازنی از خوانین مکرمات بستگان سببی خود ازدواج نموده و آن خاتون از طرف پدر خود بالارث متحوله بوده و چون سیدبزرگوار بدین وسیله، سعه در معاشش حاصل گردید، طریقه اتفاق بر فقرا و ایثار مساکین را شیمه عالیّه خود قرار داده بنحوی که گاهی در عبور و مرور در کوچه‌های اصفهان، عبا و یا قبا و یا شلوار خود را بفقرا و مساکین می‌بخشید و حالت بکاء و گریه زیاد داشت.

استادم (آقا محمدرضا) می‌فرمودند: چون صبحها به منزل سیدمعظم برای درس حاضر می‌شدیم آن بزرگوار همه روزه به بام خانه‌اش مناجاتِ خمسّه عشر را که مأثور از حضرت سیدالساجدین زین‌العابدین علی‌بن‌الحسین - علیهما‌السلام - است از حفظ می‌خواند و چون ثکالی (= مادر فرزند از دست داده) می‌گریست و بعد از اجتماع شاگردان در مدرّس از بام بمدرّس می‌آمدند و همه روزه قبل از شروع بتدریس

● ملاعبدالله زنوزی در حکمت و فلسفه از شاگردان خاص ملاعلی نوری است و برای استاد احترام خاصی قائل است و بر افکار او احاطه کامل دارد بر موز و مشکلات و دقایق کتب اسفار و آثار دیگر ملاصدرا وارد است.

شرحی به شاگردان خود موعظه می‌فرمودند و فصلی کامل در تشویق و ترغیب به تحلی به اخلاقی حسنه و تحذیر از ملکات رذیله و خبث و تحریص بر سلوک طریقه اولیاء و اصفیای کاملین و حکما و عرفای شامخین بیان می‌کردند. بعد شروع بتدریس می‌نمودند و اکثر تدریسش علوم الهیه و کتب عرفا و صوفیه بوده؛ و با کمال استیناس و حُسن معاشرت که با عموم، خصوص با شاگردان خود داشتند، صاحب مهابت عظیمه در انظار بوده‌اند.^۱

فصل دوم

تثبیت حوزه فلسفی / عرفانی تهران:

دوره حکمای اربعه

میرزای جلوه، چهل و یکسال تدریس حکمت الهی (۱۳۱۴ - ۱۲۷۳).

با هجرت برخی از فلاسفه و عرفا از اصفهان و همچنین از سبزوار - از شاگردان ملاهادی سبزواری - به تهران، حوزه فلسفی - عرفانی تهران رونق خاصی می‌گیرد که از اطراف و اکناف جهان اسلام و ایران به این حوزه آمدند تا در علوم عقلی و عرفانی بهره گیرند. و بعدها شاگردان همین حوزه موفق به تشکیل حوزه‌های متعددی در حکمت و فلسفه از جمله حوزه فلسفی قم و نجف می‌شوند.

میرزای جلوه علیرغم تدریس کتب ملاصدرا دارای مشرب مشایی بوده است. آقا علی مدرس زنوزی شارح حکمت متعالیه بود که بعلت داشتن مبنایی خاص در حکمت متعالیه، او را حکیم مؤسس می‌نامند. آقا محمد

۱ - سیدمصطفی محقق داماد، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۶ و ۷ سال چهارم - ص ۵۱ و ۵۲.

رضا قمشهای گرم کننده حوزه عرفانی بوده، بخصوص که قوت و قدرتی عجیب در تدریس مبانی عرفانی داشته‌اند. میرزا حسین سبزواری از شاگردان مبرز حاج ملاهادی سبزواری و با گرایش ریاضی بود کتب فلسفی را نیز تدریس می‌نموده است.

در اینجا بشرح حال کوتاهی از حکمای اربعه حوزه فلسفی/عرفانی تهران می‌پردازیم:

۱ - سید الحکماء میرزای جلوه

هجرت به تهران:

میرزای جلوه از اصفهان بجهت شیوع تهیدستی و اصرار در عیبجویی و متعرض شدن مردمان به یکدیگر و واجب الاطاعة دانستن برخی خویش را و دلتنگی در سال ۱۲۷۳ ه.ق. به تهران هجرت می‌نماید و در مدرسه دارالشفاء تهران رحل اقامت می‌افکند.^۱ بمدت چهل و یکسال در همین مدرسه مشغول بتدریس و تربیت شاگردان بسیار در حکمت می‌شوند.

ابوالحسن پسر سیدمحمد مظهر پسر میرمحمد صادق پسر سید محمد حسین اول پسر رفیع‌الدین محمد پسر مهدی پسر ابوالحسن بهاء‌الدین محمد پسر میرزا رفیعا نائینی اصفهانی،^۲ معروف به میرزا ابوالحسن در احمد آباد گجرات در ذیقعد ۱۲۳۸ ه.ق. متولد شد و در هفت سالگی به‌همراه پدر به اصفهان می‌آید و پس از رحلت پدر و از دست دادن ثروت وی، چندی به بازیگوشی و بازی مشغول بوده تا روزی به آسیابان برخورد می‌کند و او، میرزا ابوالحسن را نصیحت می‌کند و از اجداد بزرگ و عالم او یاد می‌کند، که در میرزا اثری عمیق می‌گذارد، آنطور که همان روز عازم حرکت به اصفهان می‌شود و پس از طی مقدمات نزد میرزا حسن نوری^۳ - پسر آخوند ملاعلی نوری - و آقا میرزا حسن چینی^۴ (متوفی ۱۲۶۴) معروف به مولانا و آخوند ملاعبدالجواد تونی^۵ مدرس کبیر و حاج ملاجعفر لنگرودی^۶ که هر سه از شاگردان آخوند ملا علی نوری بوده‌اند تلمذ می‌کند و سپس به تهران می‌آیند.^۷

جلوه در تهران جلوه بسیار داشت و رجال و اعیان به‌دوستی با او افتخار می‌کردند. چه بسیار دانا و هم بسیار شیرین سخن و خوش بیان و با عزت نفس و بزرگواری بود حتی ناصرالدین شاه در همان اتاق مدرسه دارالشفاء بملاقات او می‌رفت^۸ گاه می‌شده که از پذیرش او عذر می‌آورده است. صاحب‌المآثر و الآثار درباره میرزای جلوه آورده که:

«آقا میرزا ابوالحسن، اصفهانی اصلاً، طهرانی مسکناً، مشهور به «جلوه» امروز از عظام حکمای اسلام و استادان عالی مقام یاد می‌شود.»^۹ آثار برجای مانده از میرزای جلوه به سه بخش تقسیم می‌شود که شامل بر تصحیحات، تعلیقات و رسالات است.

از جمله مزایای علمی میرزای جلوه دقت در خواندن متن و تصحیح آن قبل از تدریس بوده است، بطوریکه مرحوم مدرسی چهار دهی بنقل از میرزا طاهر تنکابنی آورده که:

«شادروان آقا میرزا محمدطاهر تنکابنی حکیم بزرگوار عصر، حکایت کرد مرا که پس از وفات آقا محمدرضا(قمشهای) چون بدرس میرزا ابوالحسن جلوه رفتم کتاب تمهیدالقواعد ابن‌ترکه را شروع بخواندن کردیم میرزا را عادت براین بود که تا کتابی را تصحیح نمی‌کرد شروع به بحث در آن

● **جملگی آثار میرزا ابوالحسن جلوه که تاکنون شناسنامه‌ای نشده بیست و شش اثر می‌باشد که در تاریخ حکماء و عرفای متأخر بر ملاصدرا تألیف استاد ارزشمند صندوقی سها مذکور است.**

۱ - عبرت نائینی، تذکره مدینه‌الادب، ج ۱، ص ۶۴۹ و ۶۵۰ (از شرح حال خود نوشته میرزای جلوه اقتباس شد).

۲ - سید مصلح‌الدین مهدوی، تذکره‌القبور، ص ۷۵ و ۷۶.

۳ - میرزا حسن نوری فرزند آخوند ملاعلی نوری اصفهانی از اکابر علماء و حکماء و فلاسفه از شاگردان پدر خود بود مدتی در کربلا سکونت داشت؛ بر برخی از کتب حکمت و معقول، حواشی نگاشته است. (مهدوی، تذکره‌القبور، ص ۲۶۴).

۴ - میرزا حسن چینی معروف به مولانا(المآثر و الآثار ص ۱۷۵) از فلاسفه مشهور است و در اصفهان حکمت متعالیه را تدریس بلکه تأسیس می‌فرمود. از شاگردان ملاعلی نوری بود پس از وفات استاد تدریس معقولات بدو منتهی شد ظاهراً در ۱۲۶۴ ه.ق. وفات یافت. (مهدوی، تذکره‌القبور، ص ۲۴۹).

۵ - آخوند ملاعبدالجواد تونی مدرس خراسانی از علماء و حکماء و مدرسین حکمت در اصفهان و از شاگردان ملا علی نوری بود که در شب غره ماه صفر سال ۱۲۸۱ ه.ق. وفات یافته است. تدریس کتب در عصر او بدو منتهی می‌شده است. در المآثر و الآثار درباره او می‌گوید: از علماء مشهور اصفهان بود در فقه و اصول و طب و ریاضیات و ادبیات جمله مهارت کلی و تدبیری عظیم داشت. (مهدوی، تذکره‌القبور، ص ۶۸).

۶ - حاج ملاجعفر لنگرودی، شارح مشاعر.

۷ - عبرت نائینی، تذکره مدینه‌الادب، ج ۱، ص ۶۴۹ و ۶۵۰ برداشت از شرح حال خود نوشته میرزای جلوه.

۸ - اعتمادالسلطنة، المآثر و الآثار، ج ۲، ص ۷۷۱، چاپ اساطیر ۱۳۶۸.

۹ - همان، ص ۲۳۴.

نمی‌نمود. آقا میرزا طاهر می‌گفت: می‌دیدیم آن تمهید القواعدی که نزد آقا محمدرضا خوانده بودیم صفحه بصفحه و گاهی سطر بسطر افتاده داشت و او به نیروی بیان عرفانی، مباحث کتاب را تقریر می‌نمود.^۱

میرزای جلوه از منتقدان فلسفه ملاصدرا است که ایرادهای او را سطحی می‌انگارند و تعلیقات او بر اسفار در بعضی جاها در واقع کتابشناسی و اشاره به منابع و مراجع اسفار می‌باشد. شیخ یحیی دولت‌آبادی آورده که: «در فلسفه پیروی از مسلک مشائین می‌نماید. تألیفات ابن‌سینا را بزرگ شمرده بتدریس آنها افتخار می‌کند. کتب متأخرین مخصوصاً ملاصدرای شیرازی را تدریس می‌کند، اما اهمیت به آنها نمی‌دهد، خصوصاً به اسفار که آن را جمع‌آوری شده از کتب دیگران می‌داند و تألیف آن کتاب را به اینصورت که هست به شاگردان صدرالمتألهین نسبت می‌دهد که پس از رحلت او جمع نموده باشند.»^۲

از دیگر آثار ارزشمند میرزای جلوه تعلیقه شفاست که مرحوم مدرسی چهاردهی در اینباره آورده که:

«از مزایای حواشی میرزای جلوه این است که اولاً حتی الامکان تفسیر کلام شیخ به کلام خود اوست و مطلبی را که (شیخ) در یک جا مجمل گذاشته، در جای دیگر که آنرا شرح داده است، آن شرح موضوع را عیناً نقل می‌کند و در هر موضع کتاب، مهمات مطالب مربوط به مطلب را عیناً از کتب قداماء در تأیید یا توضیح و یا رد و ایراد مطالب متین بعین الفاظ نقل نموده و نام آن مأخذ حواشی را هم در پایان یاد کرده است.»^۳

جملگی آثار میرزا ابوالحسن جلوه که تاکنون شناسایی شده بیست و شش اثر می‌باشد که در تاریخ حکماء و عرفای متأخر بر ملاصدرا تألیف استاد ارزشمند صدوقی‌سها مذکور است و در همین کتاب هشتاد و شش تن از شاگردان میرزای جلوه ذکر شده‌اند که برخی از آنان را در اینجا یاد می‌نماییم:

- ۱ - سیدالحکماء آقا سید حسین حکیم بادکوبه‌ای؛^۴
- ۲ - سیدالحکماء آقا میرسید شهاب‌الدین النیریزی؛^۵
- ۳ - حکیم آقا میرزا طاهر تنکابنی؛^۶ چنانکه خود آورده است که:

«حقیر در شعبان ۱۳۰۵ پس از وفات استاد فاضل

عارف کامل آقا محمدرضا قمشه‌ای - قدس سره - در مجمع افادت این سیدبزرگوار شتافتیم ... تا اواخر عمرش که سنه ۱۳۲۴ باشد...»

- ۴ - حاج فاضل رازی تهرانی؛^۷
- ۵ - شیخ‌الحکماء عبدالحسین رشتی؛^۸
- ۶ - عبدالمجید میرزبان علی نقی میرزا از نسل فتحعلی شاه قاجار؛^۹
- ۷ - آقا شیخ عبدالنبی نوری تهرانی؛^{۱۰}
- ۸ - آقا میرزا علی‌اکبر حکیم اردکانی یزدی؛^{۱۱}
- ۹ - آخوند ملامحمد هیدجی زنجانی؛^{۱۲}
- ۱۰ - شیخ المشایخ آقا شیخ محمد باقر اصطهباناتی شیرازی؛^{۱۳}
- ۱۱ - سیدالاولیاء سیدموسی زرآبادی قزوینی.^{۱۴}

«خلاصه اینکه جلوه در مدت عمر زن نگرفته مجرد زیست؛ تا اینکه در شب ششم ذی‌قعدة در خانه حاج محمدکاظم ملک‌التجار واقع در بازار بین مسجد شاه و مسجد جامع در سال هزار و سیصد و چهارده وفات یافت. آن گنج حکمت را در ابن‌بابویه در جوار شیخ صدوق - علیه‌الرحمه - در دل خاک پنهان کردند^{۱۵}. □

- ۱ - مرتضی مدرسی چهاردهی، منتخبی از تاریخ فلاسفه اسلام، ص ۳۷۵ و ۳۷۶.
- ۲ - یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲، ص ۲۱۳.
- ۳ - مرتضی مدرسی چهاردهی، منتخبی از تاریخ فلاسفه اسلام، ص ۴۱۰ و ۴۱۱.
- ۴ - علامه محمد حسین طباطبایی - اعلی‌الله مقامه - از مؤسسين حوزه فلسفی نجف.
- ۵ - شارح اسفار و صاحب حاشیه بر آن؛ از مدرسین حوزه فلسفی تهران.
- ۶ - جامع علوم و از مدرسین حوزه فلسفی تهران.
- ۷ - وی از شاگردان آقا میرزا حسین سبزواری؛ از حکمای اربعه نیز بوده که اواخر عمر میرزای جلوه را درک کرده است و از مدرسین حوزه فلسفی تهران.
- ۸ - وی از شاگردان میرزا جهانبخش ریاضی بروجردی و آقا میرزا حسین سبزواری و آقا میرزا شهاب‌الدین نیریزی و آقا شیخ علی نوری و آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی و آقا میرزا محمود قمی نیز بوده است.
- ۹ - از اعظام شاگردان وی مرحوم آقا شیخ حسینعلی راشد تربتی از افاضل اساتید دانشگاه تهران است.
- ۱۰ - از مدرسین حوزه تهران.
- ۱۱ - از مدرسین حوزه فلسفی تهران و قم.
- ۱۲ - از مدرسین حوزه فلسفی تهران.
- ۱۳ - از مدرسین حوزه فلسفی نجف و تهران.
- ۱۴ - صاحب حوزه حکمی و عرفانی در قزوین.
- ۱۵ - عبرت نائینی، تذکره مدینه‌الادب، ج ۱، ص ۶۵۲.